



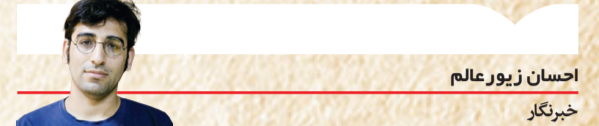
چه فیلم‌هایی در سال ۵۸ اکران شدند

روز از نو، روزی از نو

بررسی کنیم. سال ۱۳۵۸ تنها دو فیلم تولید می‌شود. الباقی محصولات پیشاانقلابی است که حالا باید از صافی تازه‌ای عبور می‌کردند. گزارش‌ها درباره تعداد این آثار متنوع است اما طبق پژوهش جمال امید، ۳۹ فیلم در صفا اکران بودند و ۲۴ عنوان نیز در مرحله ترمیم و تهیه. با این حال همه این آثار امکان اکران نیافتند و ما در اینجا به آثار اکران شده می‌پردازیم.

فیلم جدید ممکن نبود؛ پس همه چیز برای دگرگونی فیلم‌های جامانده از اکران پیشاانقلاب مهیا شده بود. فیلم‌هایی که با چند نمای جدید و استفاده از تصاویر تازه از اثر متعلق به عصر پهلوی بدل به اثری انقلابی شده بودند. در این قسمت تلاش داریم صرفاً به معرفی این آثار بپردازیم تا در گام بعدی مهم‌ترین آثار و تأثیرشان بر آینده سینمای ایران را

فیلم تغییر کرده بود و بخش مهمی از فیلم‌های محبوب ممنوع شده بودند. نه خبری از «شعله» بود که آن سال‌ها برایش صف‌های طویل می‌یستند و نه خبری از «برس لی» که شاید انگیزه‌های خرابکارانه را تقویت می‌کرد. چند فیلم آمریکایی بود و اندکی فیلم بلوک شرقی و مستندهایی که همه بازتاب انقلاب بودند. برای احیای سینما نیاز به فیلم سینمایی بود اما اندک زمانی بعد از پیروزی انقلاب امکان ساخت



احسان زیور عالم خبرنگار

پس از استقرار نیروهای انقلابی در بروکراسی سینمای کشور، برای رسیدن به دوران تثبیت نیاز به بخش فیلم‌های ایرانی بود. قوانین پخش



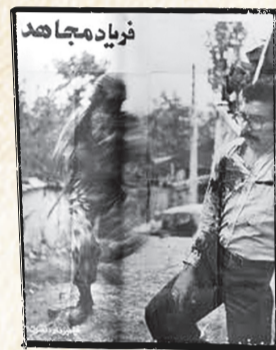
مرد خدا را خرید

رضا صفایی‌رکوردار ساخت فیلم در ایران بود و شاید اگر انقلاب نمی‌شد او این رکورد را برای پس از انقلاب نیز از آن خود می‌کرد. با پیروزی انقلاب از او دو فیلم روی پرده می‌رود. اولین آن «مرد خدا» براساس فیلمنامه مهدی معدنیان از ۲۷ فروردین ۵۸ اکران شد. فیلم با حضور منوچهر وثوق و بدالله شیراندازی، روایت مالک چند خانه (شیراندازی) است که مجموعه‌ای از مستأجران زیر لوایش زندگی می‌کنند. مستأجرانی که هر یک نماینده تپ‌های مرسوم فیلم‌های فارسی هستند. فیلمبرداری فیلم پس از انقلاب به پایان رسید و رویکرد سنت‌گرا و مذهبی درون فیلم که با تأکید بر حجاب و تغییر فضای سیاسی همراه شده بود امکان اکرانش را مهیا کرد. «زر خرید» نیز با حضور منوچهر وثوق چیزی شبیه به مرد خدا بود که با حذف چند صحنه امکان اکرانش پدید آمد. رضا صفایی در کتابش، «من و سینما» می‌نویسد این جنگ بود که مانع از ادامه اکران فیلم‌هایش شد و البته ادامه فیلمسازی اش.



پرواز به سوی مینو

«پرواز به سوی مینو» به کارگردانی تقی کیوان سلحشور و به قلم عسگر قدس، محصول سازمان سینمایی تعاون بود که توسط گروهی جوان عشق سینما شکل گرفته بود. عنوان فیلم هم اسم رمزی بود که ساواک برای تیرباران مخالفان نظام پهلوی استفاده می‌کرد. حبیب اسماعیلی و اکبر یادگاری نیز ستارگان فیلمی بودند که ۹ آبان ۵۸ در سینماها اکران شد. فیلم که روایت کتافروش شدن کارگری اخراج شده و حبس کشیده است، برخلاف فریاد مجاهد با استقبال مخاطبان روبه‌رو نشد. در این فیلم نیز همانند فریاد مجاهد قهرمان فیلم در انتها توسط دژخیم تیرباران می‌شود، آن هم به جرم موفقیت در ربایش یکی از روسای ساواک. منتقدان فیلم آن را اثری شبیه به فیلم‌های جیمزباند توصیف کردند که صرفاً با چند شعار مرگ بر شاه اثری انقلابی شده بود.



فریاد مجاهد

«فریاد مجاهد» به کارگردانی مهدی معدنیان و تهیه‌کنندگی ستار هریس داداش‌زاده، نخستین فیلم اکرانی پس‌انقلاب بود. فیلم شه‌ریور ۵۸ اکران شد تا محمود کوشان، از چهره‌های شاخص سینمای فارسی بگوید، کارگران فنی استودیوها و بازیگران دست‌چندم... ناگهان همه کاره سینما شدند. اشاره او به داداش‌زاده مشهور به فیروز بود که پیش‌تر در نقش‌های منفی اکشن ظاهر شده بود. فیلم‌سرا آغاز سینمای «فیلمفارسی انقلابی» و روایتگر تلاش‌های علی نجاتی (بهمن مفید) برای حرکت انقلابی مسلحانه پس از وقایع خرداد ۴۲ بود. فیلم که با سخنرانی یک روحانی در فضای دینی علیه شاه آغاز می‌شود بدون داشتن یک خط سیر منطقی با اعدام علی در مقام انقلابی مذهبی به همراه چند انقلابی چپ‌گراست. البته فیلم بعدها لقب اولین فیلم جنجالی سینمای ایران را هم یک‌دک کشید که در شماره‌های پیشین به داستان توقیف آن با دخالت مسعود کیمیایی اشاره شده بود. فیلم در همان لحظات ابتدایی انقلاب با مشورت با آیت‌الله محمد یزدی رقم خورد و با اکرانش با استقبال عموم همراه شد. فریاد مجاهد موفق به کاشتن برخی از کلیشه‌های آینده سینمای انقلابی شد، هرچند سازندگان آن بعدتر با ممنوعیت فعالیت سینمایی مواجه شدند.



فریدرس احق و ناهق

اگر تصور می‌کنید در سینمای پس‌انقلاب رضا صفایی با دو فیلم رکورددار است، در اشتباهید. عزیز رفیعی نیز با دو فیلم به این مهم دست می‌یابد. «فریادرس» و «حق و ناهق» با فاصله اندکی از هم در تیر ۵۸ اکران می‌شوند که هر دو بر همان سیاق آثار رفیعی بود. حق و ناهق، داستان حیدر مسلمی (بهمن مفید) است که در مسیر سفر به مشهد با زنی جوان (مستانه جزایری) روبه‌رو می‌شود که در امازاده‌ای استغاثه می‌کند. زن که اسیر فاحشگی است به کمک حیدر نجات پیدا می‌کند. از آن سو برادر حیدر، احمد (منوچهر وثوق) نیز در سفری خواهر دوقلوی مرجان، زن نجات یافته را می‌بیند و دل‌باخته او می‌شود. فیلم بر سیاق آثار فارسی با عروسی و دعوا با گروه‌های ارادل دنبال می‌شود و البته فاش شدن حقیقت خواهران دوقلو. فیلم تلاشی بود برای تقبیح روسپگری و تکریم باکرگی که شاید همین دوگانه با رویکرد امر به معروفی و نهی از منکر حیدر و احمد، بردارن درست‌کار فیلم شناس اکران پس‌انقلابی فیلم را فراهم کرده بود. فریادرس نیز با حضور بهمن مفید، روایتی از زلزله بوئین‌زهر است که طی آن مردی خیر و باایمان (بهمن مفید) با یاری مردم و جمع‌آوری اعانه، به کمک زلزله‌زدگان می‌رود. وی در برانه‌های کودکی را می‌یابد که همه فامیلش را از دست داده است. مرد، کودک را میان خانواده خود می‌برده و عهده‌دار تعلیم و تربیتش تا جوانی و مرحله‌ای می‌شود که خود او تشکیل خانواده می‌دهد.



بر فراز آسمان‌ها

اگرچه نام فردین در تاریخ سینمای پس از انقلاب به نوعی به «برزخی‌ها» خلاصه شده اما واقعیت این است که پس از انقلاب این «بر فراز آسمان‌ها» است که فردین را برای دنیای پس‌انقلاب برای اندک زمانی تثبیت می‌کند. فیلم به کارگردانی خود او و محصول تغییر رویه‌اش پس از سال ۵۳ است که دیگر در فیلمفارسی نقش آفرینی نکرد. فردین فیلم را براساس متن احمد بهیمنی می‌سازد که در واقع اقتباسی از فیلم هندی «پرستش» شاکتی سامانتا بود. قصه فیلم هم داستان رامین (فردین)، خلبانی است که به آمنه (گلی زنگنه) دل می‌بازد و نتیجه عشق‌شان پسری است که با مرگ رامین، به دست مادرش به پرورشگاه سپرده می‌شود. آمنه بابت قتل به زندان می‌افتد و پس از آزادی با پسرش (فردین) روبه‌رو می‌شود و همه چیز به صورت هندی رقم می‌خورد. فیلم اثری ضعیف بود و مورد توجه منتقدان قرار نگرفت، برای مثال جمال امین ترکیب باز یگرهای فیلم را نا کارآمد توصیف کرد. فیلم پیش از انقلاب آماده بود و اکران نشدنش به جهت اعتصاب اهالی سینما بود که از قضا فردین درصد آن اعتصاب بود. فیلم بهمن ۵۸ اکران می‌شود اما با اقبال چندانی روبه‌رو نمی‌شود تا آخرین کارگردانی فردین در همان نقطه رقم بخورد.



تکیه بر باد

فیلم ساخته فریدون زورک بود که اساساً برای همسرش، مرجان، خواننده مشهور آن دوران فیلم می‌ساخت. «تکیه بر باد» با حضور مرجان داستان ابراهیم عسگری، جوان آسمان جلی است که دختری به نام مریم را در آستانه خودکشی نجات می‌دهد. مریم بتیم صاحب ثروتی موروثی است که در مراسم عمومی قرار گرفته است. پس کل فیلم روایت جدال‌های ابراهیم و مریم برای رسیدن به هم و البته ثروتی است که باید به دست صاحبش برسد. فیلم که شاید در عصر پهلوی جوان بسند به حساب می‌آمد، با وجود حضور مرجان با شکست تجاری به کارش پایان می‌دهد و زورک منهای بازی در فیلم روز شیطان (۱۳۷۳) از سینمای ایران حذف می‌شود.



جنگ اطهر

محمدعلی نجفی به همراه گروهی از همفکرانش در حسینیه ارشاد پیش از انقلاب دفتر آیت‌فیلم را تاسیس می‌کند و محصول اولین تلاشش «جنگ اطهر» می‌شود. فیلم براساس فیلمنامه محمود استاد محمد، داستان اطهر (فرامرز قریبان) معلم مدرسه‌ای است که در تلاش برای برپایی یک نمایش است اما با مخالفت مدرسه و البته توصیه ساواک نمایش توقیف می‌شود. بازیگر اصلی نمایش، فتاح اما درگیر مشکلات خانوادگی است. عمویش او را مجبور به کار در میکده می‌کند و این با نگرش مذهبی فتاح در تضاد است. اطهر در تلاش برای نجات دانش‌آموزش جانش را از دست می‌دهد. فیلم با تمام ضعف‌هایش اما اثر مهمی است. وقتی در سال ۵۸ اکران می‌شد این تصور را پدید نمی‌آورد که قرار است ۲۰ سال آینده سینمای ایران بر مبنای این فیلم گذاشته شود. آیت‌فیلم هسته اصلی سازمان سینمایی فارابی می‌شود و سازندگان آن برخلاف تمام کارگردانان آثار اکرانی ۵۸ هیمینه خود را بر سینمای ایران سوار می‌کنند. تپ‌های درون فیلم در دنیای سینمای پس از انقلاب تکثیر می‌شوند و حتی فرم‌روایی آن واسطه‌ای برای بهره‌مندی از امکانات دولتی در ساخت فیلم می‌شود.



نفس یار

آخرین تلاش خانواده کوشان در سینمای ایران در استودیو پارس سابق، مهر ۵۸ اکران شد. فیلم داستان قاچاقچی سابقه‌داری به نام صادق سرداری (رضاییک ایمانوردی) است. احمد پژمان (شهرزاد رامتین)، فرمانده جدید پاسگاه، که با همسرش تازه به منطقه منتقل شده است، موقع تعقیب صادق زخمی می‌شود. صادق او را به بیمارستان می‌رساند و توسط مأموران دستگیر می‌شود اما در دادگاه تبرئه و همدستش متهم می‌شود. صادق در درگیری دیگری موقع فرار، همسرش را از دست می‌دهد و فرزندی را که همسرش پیش از مرگ به دنیا آورده به احمد می‌سپارد و به زندان می‌رود. ۱۰ سال بعد صادق سرافرازند می‌رود و مجاب می‌شود پسرش نزد احمد بماند و به دنبال پولی می‌رود که پیش از زندانی شدنش به رفیقش داده است. دوستش از پرداخت پول طفره می‌رود و پسر احمد را گروگان می‌گیرد. صادق و احمد با او درگیر می‌شوند و صادق با ضربه چاقویی زخمی می‌شود و در آغوش احمد جان می‌دهد. مرگ صادق در آغوش احمد شاید استعاره‌ای از مرگ فیلمفارسی در آغوش موسسان آن، یعنی برادران کوشان بود.



سرنوشت سازان

جهانگیر جهانگیری اگرچه اولین فیلمش را پیش از انقلاب ساخت، اما نسبت نداشتن با دوران پهلوی موجب شد تا او کارگردان پس‌انقلاب و ساخت‌اکشن‌هایی شود که در دل خود مولفه‌های فیلمفارسی را حمل می‌کردند. فیلم «سرنوشت‌سازان» با بازی بیگ ایمان‌وردی، همان داستان زن بی سرپناه و مردی است که او را نجات می‌دهد، با همان بزین‌ویکوب‌ها و مسخره‌بازی‌های مرسوم سیمای بیگ ایمان‌وردی در نقش سرد هزار چهره. فیلم در آذر ۵۸ اکران شد و با فروش خوبی هم روبه‌رو می‌شود و مسیر فیلمسازی جهانگیری را هموار می‌کند.



برادر کشی

ایرج قادری در سال‌های پایانی دوره پهلوی پرکار بود و عجیب نیست پای یک فیلمش هم به دنیای پس‌انقلاب باز شده باشد. فیلم او آخرین فیلم سال ۵۸ است و داستانش اقتباس فیلمفارسی‌وار از «رومئو و ژولیت» شکسپیر است. دو خانواده، به دلیل قتل که بین‌شان اتفاق افتاده، اختلاف دیرینه و کینه‌ریشه‌داری دارند. با این حال سام و بلقیس، پسر و دختری از این دو خانواده عاشق یکدیگر می‌شوند. قادری شاید کمی بدشانس بود که یکی از زندانیان با بازیگرترین فیلم‌هایش با وقوع انقلاب همراه شد. «برادرکشی» با فروش خوبی روبه‌رو شد و برخی از نقاط قوت آن گفتند، اما با نهمان به دنیای انقلاب برای قادری فرازونشیب‌هایی آفرید که روایتش مفصل است. باید به این نکته اشاره کرد که برخی فیلم‌ها نیز بدون مجوز در سینمای شهرستان‌ها اکران شدند، از جمله «آخرین نفس» از کامران قدکچیان، «ماجراهای علاءالدین و چراغ جادو» از پرویز نوری، «ساخت ایران» از امیر نادری و «روزهای بی‌خبری» از امیر شروان که با تثبیت بروکراسی هیچ‌گاه رنگ اکران ندیدند.



با عشق مردن

اکبر صادقی منهای «شمر» فیلم دیگری از دنیای پیشاانقلاب داشت که داستان امیر (سعید راد) است که در درگیری با برادرش درمی‌یابد، دخترخاله‌اش از رابطه نامشروع با او یادار شده و حالا باید به جست‌وجوی او بپردازد. فیلم دی ۵۸ اکران شد و با وجود حضور سعید راد توفیقی در اکران نیافت.



عبور از مرز شب

در اواخر دوره پهلوی نوعی سینمای رمانتیک براساس روابط دختر و پسران جوان اما منطبق با مد آن روز پدید آمده بود که فرزاد دلجو به نوعی نماینده آن تصویر بود. محمدباقر خسروی «عبور از مرز شب» را بر همین اساس ساخت که روایت عشق ناکام میان یک پسر مسلمان و دختری مسیحی است. جمال امید در کتابش ایده فیلم را متعلق به «بووی» اثر راج کاپور می‌داند. فیلم بهمن ۵۸ اکران می‌شود. نکته جالب آن بود که با توجه به فقدان ارزش‌های هنری و مخالفت منتقدان با فیلم و تأکیدشان بر سانتیمانتال بودن و منطبق نبودن اثر با جهان واقعیت، مخاطبان از فیلم استقبال کردند، شاید به سبب نمایش تصویری از جوان‌هایی که آن روزها انقلاب کرده بودند.



مریم و منی

کبری سعیدی مشهور به شهرزاد باز یگر و رقاص سینمای فارسی بود که ناگهان گام در مسیری عجیب نهاد. کتاب شعری منتشر کرد که نظر ابراهیم گلستان را گرفت و با نوشتن رمان، تصویری متفاوت از خود نشان داد. اما نقطه عطف کارنامه‌اش اولین فیلم زنانه پس‌انقلاب بود؛ هرچند فیلم محصول دنیای پهلوی بود. با این حال اکران فیلم برای سعیدی خوش‌بین نبود و او بازیگرش، پوری بنایی برای همیشه از سینمای ایران حذف شدند. فیلم که با حمایت مالی چند بازیگر مشهور آن سال‌ها ساخته شده بود، خام‌دستانه ارزیابی شد. اما حجاب قهرمان فیلم در خیابان، آن چیزی بود که مورد توجه قرار نگرفت؛ نگرشی که محصول تغییرات اجتماعی و فرهنگی در آستانه انقلاب به حساب می‌آمد.